

طبقه متوسط جدید و بسیج منابع رأی دهی در ایران (۱۳۹۶ - ۱۳۷۶)

محمدباقر خرمشاد*

فاضل کرد**

چکیده

طبقه متوسط جدید، نیروی اجتماعی شهر گرا، دانشگاهی و مشارکت جویی است که در یک پروسه شکل گیری، در بدنه دولت یا خارج از آن، به مرکز ثقل تحولات سیاسی- اجتماعی تبدیل شده است. پرسش پژوهش آن است که، بسیج منابع رأی دهی از سوی طبقه متوسط جدید در امر مشارکت انتخاباتی (۷۶-۹۶) در ایران چگونه بوده است؟ فرضیه و یافته های پژوهش نشان خواهد داد که این گروه مدعی قدرت و چالشگر سیاسی، برای رسیدن به منابع حاکمیت، از ابزارها و شیوه هایی همچون رسانه های جمعی، احزاب و تشکل های سیاسی و گفتار سیاسی رهبران استفاده کرده است. طبقه متوسط جدید در چارچوب کنش جمعی با متحدین فکری خود دست به ائتلاف زده و منابع خود را در جهت نفوذ بر دولت و حاکمیت بسیج می کند. این مقاله می کوشد که با استفاده از نظریه بسیج منابع چارلز تیلی و با روش تاریخی، در محدوده زمانی معین و از طریق یافته های ثانوی به سوال پژوهش پاسخ دهد.

کلیدواژه ها: طبقه متوسط جدید، مشارکت سیاسی - انتخاباتی، بسیج منابع، کنش جمعی، جامعه شناسی تاریخی.

* استاد علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران (نویسنده مسؤل)،
Mb.khorramshad@gmail.com

** دانشجوی دکتری جامعه شناسی سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران. hoseinbesharat@gmail.com
تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۷/۱۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۲۳

۱. مقدمه

از آنجا که اغلب پدیده های اجتماعی دارای ریشه های تاریخی می باشند، لذا نیازمند شناخت تاریخی نیز خواهند بود، از این رو بررسی تحولات سیاسی و اجتماعی، ضرورتی غیر قابل اجتناب برای پژوهشگران در حوزه سیاست و جامعه شناسی سیاسی است. مروری به تحولات سیاسی و اجتماعی نشان می دهد که گسترش کمی و کیفی تحصیلات و تخصصی شدن امور، سبب طرح خواسته های جدید در قالب قانون گرای، دموکراسی، و حقوق شهروندی می شود. بنابر این، خواسته ها و مطالبات، اساس کنش جمعی و ارایش سیاسی در مشارکت انتخاباتی و بسیج رای دهی خواهد بود. در این میان و از بین طبقات اجتماعی، طبقه متوسط جدید زمینه های شکل گیری جوامع مردم سالار را هموار نموده و نقش آگاهی دهنده، جهت دهنده فکری و انتقال دهنده مطالبات مردمی را به عهده خواهد داشت. این طبقه با داشتن ابزارهای بسیج منابع (رسانه های همگانی و شبکه های اجتماعی، احزاب و تشکل های سیاسی، و رهبران و تولید کنندگان گفتار سیاسی) پایگاه گذار به سمت مردم سالاری بوده است.

مروری تاریخی به پژوهش های پیشین نشان می دهد که در یک صدساله گذشته، طبقه متوسط جدید مرکز ثقل و نیروی عمده تحولات سیاسی- اجتماعی در ایران بوده، است. بنابراین با توجه به داده های نظری، پروسه شکل گیری آن با نهضت مشروطه آغاز، و بازیگر و زمینه ساز جنبش ملی نفت و انقلاب اسلامی بوده است، طبقه متوسط جدید، زمینه ساز نوسازی در دهه هفتاد و نیروی اثر گذار در بسیج منابع و مشارکت انتخاباتی در دولت اصلاحات بود.

مقاله حاضر می کوشد، با هدف نقش طبقه متوسط جدید در فرایند بسیج منابع، و استفاده از نظریه بسیج منابع چارلز تیلی، به این سوال پاسخ دهد که، بسیج منابع رای دهی از سوی طبقه متوسط جدید در امر مشارکت انتخاباتی (۷۶-۹۶) در ایران چگونه بوده است؟ سوال مطرح شده در واقع، تطبیق یک نظریه با یک موضوع می باشد، که در آن به نقش بر جسته کنشگران و هدایت گران در دل طبقه متوسط جدید توجه شده است. بنابراین سبک رای دهی، سبک جدیدی از مشارکت سیاسی و اقدامی در جهت وفاداری شهروندان به نظام سیاسی تلقی می شود. در این سبک رای دهی، به مفاهیمی همچون منافع گروه های کنشگر و مدعی قدرت، عناصر موثر بر کنش جمعی و چگونگی فرآیند بسیج منابع توجه می شود. با این روند می توان گفت که طبقه متوسط جدید برای رسیدن

به منافع خود، دارای نقشی نوسان گونه (قبض و بسط) در کنش جمعی بوده است. بنا براین، طبقه متوسط جدید با فرصت سیاسی و با استفاده از ابزارها بسیج منابع (رسانه های جمعی، احزاب و تشکل های سیاسی و رهبری سیاسی) بر مقوله کنش جمعی و مشارکت انتخاباتی تاثیر گذاری خود را نشان داده است.

روش تحقیق در این پژوهش، روش تاریخی با رویکرد توصیفی است، که علاوه بر توصیف و تحلیل و تبیین پدیده های اجتماعی و داده های تاریخی، بر این امر استوار است که ماهیت و ابعاد پدیده های اجتماعی بر اساس درک روابط، منابع شاهد، یافته های مورد مشاهده، در قالب سیر تحول زنجیره ای خواهد بود. بنابر این روش تاریخی (Historical) شامل مطالعه، درک و شرح رویدادهای گذشته و رسیدن به نتایج مربوط به علل، تاثیرات یا روند رویدادهای گذشته است، چرا که به روشن شدن رویداد های کنونی و پیش بینی وقایع آینده کمک می نماید. به عبارتی برای رسیدن به واقعیت های موجود، در پی یافتن داده های موجود در یک پژوهش و رسیدن به نتایج قابل دفاع در فرضیه های تحقیق است. این نوع روش تحقیق با بررسی کتابخانه ای، بر فهم عمل و کنش جمعی، قابلیت بازسازی عینی و نقش عنصر آگاهی و اخلاقی در یک پژوهش اجتماعی تاکید خواهد داشت.

۲. پیشینه پژوهش

بررسی سوابق پژوهشی موجود نشان می دهد که در بیشتر پژوهش های انجام شده در حوزه مشارکت انتخاباتی، بر رفتار رای دهی مشارکت کنندگان و عوامل موثر بر کاهش یا افزایش مشارکت متمرکز بوده است. بنابر این رفتار رای دهی به نوعی وابسته به شیوه تاثیر گذاری بسیج منابع بر مشارکت انتخاباتی است. در مورد پیشینه پژوهش حاضر، با عنوان طبقه متوسط جدید و بسیج منابع رای دهی در دو دهه اخیر (۷۶-۹۶) در ایران، پژوهش مستقیمی صورت نگرفته است، بلکه عمده محتوای پژوهش های پیشین، مربوط به عوامل تاثیر گذار جامعه شناختی، روان شناختی و شخصیتی بر چگونگی رای دهی افراد بوده است. بنابر این مشارکت انتخاباتی تحت تاثیر عوامل مختلفی قرار داشته، که در هر مقطع زمانی نوع خاصی از رفتار رای دهی را ایجاب کرده است.

در پژوهشی با عنوان "بسیج منابع در انقلاب اسلامی" عباس کشاورز شکری و احسان فرهادی (۱۳۹۰) به شناسایی فرایند بسیج منابع در انقلاب اسلامی پرداخته شده، که در آن به منافع گروه های مختلف و مدعی قدرت، فرایند کنش جمعی، سازمان ها و چگونگی

فرایند بسیج اشاره شده است. نویسندگان فوق، فرایند بسیج در انقلاب اسلامی را از آن جهت مهم تلقی کرده اند که اراده و نقش رهبران، ایدولوگ ها و کنشگران انقلابی در آن انکار ناپذیر است. این نویسندگان در پژوهش دیگری با عنوان "تحلیل مقایسه ای بسیج منابع در انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی ایران (۱۳۹۳)" فرایند بسیج منابع را در دو انقلاب مقایسه، و از مفاهیمی نظری همچون منابع بسیج، منافع گروه ها، سازماندهی و کنش جمعی در روند مقاله استفاده نموده اند. داده های آنان در پژوهش فوق، تفاوت دو انقلاب در ایدولوژی بسیج و رهبری آنان بوده، که گروه های مدعی کسب قدرت در پی آن بوده اند.

در پژوهش دیگری با عنوان انتخابات ریاست جمهوری، مدلی نظری برای تبیین پیروزی یک کاندیدا با سایر رقبا (قیصری و دیگران ۱۴۹۶) که در پی ارائه الگویی نظری برای تبیین و توضیح چرایی پیروزی یک کاندیدا بر سایر رقبا بوده اند. این نویسندگان بر فاکتور مهم بسیج منابع در سرنوشت انتخابات تاکید نموده و موفقیت و ناکامی بسیج منابع را عامل پیروزی یا شکست در عرصه سیاسی می دانند، به عبارتی تعیین کننده ترین عامل تاثیر گذار بر مشارکت سیاسی را رفتار رای دهی و بسیج منابع می دانند.

در پژوهش دیگری که مرتبط با ابزار بسیج منابع در مشارکت انتخاباتی است، شیخ الاسلامی و عسگریان (۱۳۸۸) با عنوان "سازه انگاری، رسانه ها و رفتار انتخاباتی در ایران" بر این فرضیه استوار است که رفتار انتخاباتی در ایران، مبتنی بر "عقلانیت محدود" است و رسانه ها از طریق شکل دهی به هویت و نگرش فردی و جمعی بر مشارکت انتخاباتی تاثیر گذار می باشند. به عبارتی رسانه ها به عنوان ابزار بسیج منابع، شهر وندان را تشویق و ترغیب به مشارکت می نمایند (شیخ الاسلامی و عسگری، ۱۳۸۸) بر همین رویه، شهرام نیا و همکاران (۱۳۹۶) به تاثیر متقابل و معنا دار شبکه های مجازی و مشارکت انتخاباتی تاکید کرده و بر این باور می باشند، که هر چه گرایش سرمایه های اجتماعی به شبکه های مجازی بیشتر شود، گرایش به سمت مشارکت بیشتر خواهد شد (شهرام نیا و همکاران ۱۳۹۶، ۲۶ - ۳۰) در پژوهش مرتبط دیگری در این زمینه با موضوع "بنیان های نظری رفتار انتخاباتی شهروندان در جمهوری اسلامی" علی دارابی (۱۳۸۸) با نگاهی به عواملی همچون تجربیات قبلی، عناصری از فرهنگ سیاسی (خلقیات ایرانیان، بی اعتمادی سیاسی) کانون های مذهبی، احزاب و تشکل های سیاسی، گروه های مرجع، نهادهای غیر دولتی، مطبوعات و رسانه ها که هر یک به نوعی وابسته به نحله فکری طبقه

متوسط جدید و ابزار بسیج منابع تلقی می‌شوند، تعیین‌کننده رفتار رای‌دهی شهر وندان می‌داند (دارابی ۱۳۸۸، ۲۹ و عنایتی شکلائی ۱۳۹۳، ۲۱۹)

در پژوهش عبدالله عبدالمطلب (۱۳۹۱) با موضوع "تحلیل رفتار رای‌دهی در ایران" به بازیگری نقش عوامل بسیج‌گر در مشارکت انتخاباتی، همچون رسانه‌های جمعی، احزاب سیاسی و نقش گروه‌های مرجع توجه شده است.

از آنجا که بسیج منابع و امکانات انسانی، ایدولوژی و مادی در امر مشارکت انتخاباتی در نزد اندیشمندان دارای اهمیت است، بنابر این پژوهش حاضر در راستای گشودن افقی تازه در مطالعات مربوط به مشارکت انتخاباتی، بر موضوع طبقه متوسط جدید و بسیج منابع رای‌دهی در ایران متمرکز شده است. نوآوری پژوهش حاضر، ابزارها و شیوه‌های بسیج منابع (رسانه‌های جمعی، احزاب و تشکل‌های سیاسی، رهبران و هدایتگران فکری) می‌باشند که به عنوان عوامل انگیزشی، منابع اجتماعی و عوامل بسیج‌گر، شهروندان را تشویق و ترغیب به رای‌دهی انتخاباتی می‌نمایند و به عنوان منابع کنش جمعی و بسیج رای‌دهی دارای اهمیت زیادی می‌باشند.

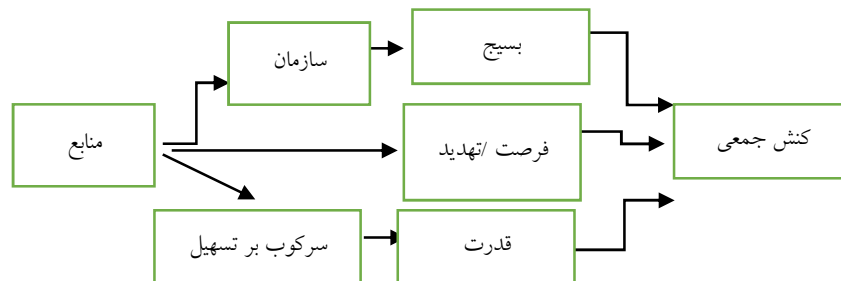
۳. مبانی و چهارچوب نظری

چارلز تیلی از جمله نظریه پردازان برجسته در حوزه کنش جمعی است که در تلاش است تا نظریه‌ای برای توصیف و تبیین کنش جمعی ارائه دهد. به باور او کنش جمعی در شکل‌ها و شیوه‌های گوناگون و با هدف ایجاد تغییر یا جلوگیری از تغییر در جامعه اتفاق می‌افتد. او منشا کنش اجتماعی را همانند مارکس و وبر در تضاد اجتماعی دانسته و فرآیند کنش جمعی را رهیافت سیاسی می‌داند. الگویی که تیلی برای مطالعه کنش متقابل میان گروه‌های مختلف و چگونگی شکل‌گیری عمل جمعی در بین گروه‌های رقیب یا ناراضی در نظر می‌گیرد، الگوی حوزه سیاسی نام داشته و شامل جمعیت گروهی از مردم، یک یا دو گروه مدعی، حوزه سیاسی، و یک یا چند ائتلاف میان نیروهای مختلف است. چارلز تیلی مدعیان قدرت را مدعیان عضو و چالشگرانی می‌داند که بیرون از دستگاه سیاسی قرار داشته و دسترسی به منابع زیرسلطه حاکمیت را ندارند. این دو گروه برای پیشبرد مطالبات و خواسته‌های خود، دست به ائتلاف با سایر گروه‌ها زده، و سعی می‌نمایند که عمل جمعی را با سایر متحدین بالقوه خود هماهنگ سازند (تیلی، ۱۳۸۵، ۸۱) این گروه‌ها در دوره‌های خاصی، منابع جمعی خود را در جهت نفوذ بر دولت یا حاکمیت بکار می‌گیرند.

گروه مدعی عضو (عضو دستگاه سیاسی) به قدرت حاکم دسترسی بدون هزینه به منابع دولتی دارا بوده و به عبارتی دعوی آنها در مبارزه با قدرت مشروع شناخته می شود (مشیرزاده، ۱۳۸۱، ۱۵۲)، اما برای گروه چالشگر، دسترسی به منابع تحت کنترل دولت برای آنان به سادگی مقدور نیست. تیلی بر این باور است، که اعمال رقابتی زمانی رخ می دهد که یک گروه اجتماعی بر منابعی دست می گذارند که مورد ادعای گروه های رقیب است.

برای درک پویایی و چگونگی شکل گیری عمل جمعی، الگوی عمومی حوزه سیاسی اکتفا نمی کند، از این رو، تیلی الگوی دقیق تری در نظر می گیرد که الگوی بسیج نام دارد و نخستین مفهوم در این الگو "منافع" است که شامل مجموعه انتظارات و منافع مشترک یک جمعیت می باشد. در اینجا تیلی در تعریف منافع، عوامل ساختاری را عامل پیش بینی کننده منافع در بلند مدت عنوان می کند و فصل بندی ذهنی کنشگران از منافع شان را عامل تعیین کننده علایق و منافع در کوتاه مدت می داند. مفهوم دوم الگو "سازمان" است که در واقع میزان هویت مشترک و ساختار وحدت بخش افراد در درون یک جمعیت می باشند. مفهوم سوم در الگو تیلی "بسیج" است که شامل منابع تحت کنترل یا در حال انباشت یک مدعی می باشد (مشیرزاده، ۱۳۸۱، ۱۵۲) در اینجا تیلی، کنترل و مهارت استفاده از منابع گروه را مهمتر از میزان این منابع می داند، چهارمین الگو تیلی کنش جمعی و پنجمین الگو او فرصت (یعنی رابطه منافع جمعیت و وضعیت موجود در جهان پیرامون است که شامل عناصر قدرت، سرکوب، فرصت یا تهدید یعنی میزان آسیب پذیری حکومت است) تیلی، ۱۳۸۵، مشیرزاده، ۱۳۸۱، ۱۵۲-۱۵۳) بنابراین کنش جمعی محصول تعاملات رقابت آمیز گروه ها برای کسب قدرت است و مشارکت کنندگان پیوسته منابع جمعی خود را برای ورود به جامعه سیاسی یا ماندن در آن بسیج می کنند، تیلی معتقد است که منافع مشترک گروه، کنش جمعی را تضمین می کند زیرا چارچوب نظری تیلی، بیشتر در مقام توضیح فرایند کنش جمعی است (تیلی، ۱۳۸۵)

چارلز تیلی، متغیرهای الگوی بسیج خود را به صورت ذیل نشان می دهد.



(پناهی، ۱۳۸۹، ۳۴۰-۳۴۲)

چارلز تیلی بسیج منابع را کوششی برای دستیابی به هر منبعی از جمله منابع اجبار آمیز (نیروی مسلح) فایده مند (کالا، خدمات، اطلاع رسانی) هنجاری مانند وفاداری و تکالیف دانسته (تیلی، ۱۳۸۵، ۱۰۵) و انواع بسیج را تدافعی (تهدید از خارج) تهاجمی (فرصت پیش آمده) تدارکاتی (انباشت منابع) می داند (تیلی، ۱۳۸۵، ۱۱۱، ۱۱۳)

تیلی بر این باور است که متغیرهای بخش اول مدل بسیج، به خودی خود، امکان توضیح فرایند کنش جمعی را ندارند، وی معتقد است، توان گروه مدعی قدرت برای کنش جمعی، بسته به میزان و مقدار منابع بسیج، و میزان کنش جمعی نیز تابعی از منافع مشترک، شدت و قدرت سازمان و بسیج منابع است (تیلی، ۱۳۸۵، ۱۲۸) تیلی در ادامه بحث خود، کنش جمعی را به کنش جمعی رقابتی اعتراضی / رقابتی واکنشی تقسیم می کند و باور دارد که در هر دوره و متناسب با شرایط آن دوره، نوع کنش جمعی متفاوت است، و در هر دوره ای، راه های بیشماری وجود دارند که مردم بتوانند برای رسیدن به هدف مشترک بکار گیرند. بر پایه اطلاعات تاریخی تیلی و همکاران، شرکت کنندگان در عمل جمعی نسبت به اعمال خود آگاهی داشته و با نیت قبلی در چنین فعالیت هایی شرکت می کنند. بنابراین در روش تاریخی تیلی، سعی بر آن است تا نقش آگاهانه و اخلاقی مردم برجسته شده و تشکیلات مستقل و منابع کافی پشتوانه تلاش آنان تلقی گردد. به عبارتی عوامل غیر ساختاری همچون استعداد سازماندهی رهبران و توان آنان در ایجاد ائتلاف های سیاسی، بهره برداری از همه امکانات موجود را اساس تحلیل قرار می دهند، تیلی با روش تاریخی - تطبیقی که در سنت جامعه شناسی از قدمت خاصی برخوردار است به دنبال فهم عمل جمعی است. با نظری اجمالی به مبانی نظریه بسیج منابع چارلز تیلی، می توان میزان تعمیم پذیری آن را در مورد کنش جمعی و مشارکت سیاسی یا انتخاباتی در ایران را بررسی نمود، و به این نتیجه رسید که شکل نوسازی و ظهور دولت به سبک مدرن و تاثیر آن در عرصه های

اجتماعی-سیاسی فرهنگی - اقتصادی راه را برای کنش جمعی در قالب مشارکت های سیاسی هموار می کند.

۴. منافع طبقه متوسط جدید در کنش جمعی، به مثابه گروه مدعی قدرت در

بسیج رای دهی

از آنجا که زمینه های ظهور طبقه متوسط جدید در سایه فرایندهای نوسازی، مبنای کنش جمعی در دو دهه اخیر (۷۶-۹۶) در ایران بوده است، بنابر این شناسایی منافع این طبقه به عنوان گروه مدعی قدرت دارای اهمیت زیادی خواهد بود. بر همین اساس و با توجه به اهمیت منافع در دستگاه تیلی، منافع طبقه متوسط جدید در راستای جامعه مدنی، توسعه سیاسی، دموکراسی و مشارکت انتخاباتی خواهد بود.

۱.۴ جامعه مدنی

جامعه مدنی اصطلاحی است که برای اولین بار در قرن هفدهم توسط جان لاک، فیلسوف سیاسی انگلیسی بکار رفت و پس از دهه ۱۹۸۰ به شیوه ای جدی در جامعه شناسی سیاسی و علوم سیاسی مطرح گردید. جامعه مدنی به عنوان اراده ازاد انسانها با معیار های مشترک و در کنار دموکراسی، یکی از منافع طبقه متوسط جدید در یک کنش جمعی مورد توجه اندیشمندان قرار گرفته است. نوع نگرش به جامعه مدنی از منظری است که نیرو های اجتماعی در تحولات سیاسی نقش تعیین کننده و هدایت گر داشته و اجزای آن را رسانه های عمومی و جمعی، نهادهای غیردولتی، انجمن ها و سازمان های مردمی تشکیل می دهند. هدف جامعه مدنی عبور از وضع طبیعی و پی گیری حق بشری است که در پی تفاهم و گفتگو، قرارداد اجتماعی و حمایت از اتحادیه های صنفی است، به نحوی که مشارکت شهروندان را در زمینه های بهبود شرایط اجتماعی مساعد می کند. در واقع جامعه مدنی حوزه ای از روابط اجتماعی و فارغ از دخالت مستقیم دولت و مرکب از نهادهای عمومی و گروهی است که در آن جامعه مدنی عرصه قدرت اجتماعی و دولت عرصه قدرت سیاسی و امرانه است (مک لین، ۱۳۸۱، ۱۳۰) بنابراین منظور از جامعه مدنی در ایران، نهاد ها و سازمان هایی می باشند که مدعی قانونمندی و قانون گرایی بوده و خارج از دایره قدرت متمرکز، در باره موضوعات سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و در یک حوزه

عمومی و بدون دخالت دولت، پی‌گیر مطالبات و خواسته‌های خود می‌باشند. جامعه مدنی در دایره بحث چارلز تیلی، مجموعه نهادها، انجمن‌ها، و تشکیلات اجتماعی است که نقش تعیین‌کننده‌ای در صورت بندی قدرت دارد. بنابراین هر چه ساختار جامعه مدنی گسترده‌تر، و دموکراسی مستحکم‌تر باشد، حوزه فعالیت دولتی محدودتر خواهد بود. جامعه مدنی برای پیشبرد منافع مشترک، از طریق عمل جمعی و خارج از نهاد های رسمی تلقی شده و بر جنبش‌های مدنی و بر قوانین اثر گذار، و با اهداف ایجاد تغییر یا ممانعت از تغییر در جامعه اتفاق می‌افتد (تیلی، ۱۳۸۵، ۱۷) بنابر بر نظریه تیلی و تعاریف جامعه مدنی، همگام با رشد شهرها بر اثر صنعتی شدن، و پیدایش نظم و فنون پیشرفته و نیز گسترش نظام‌های اقتصادی جدید، مفهوم جامعه مدنی در تقابل با مجتمع‌های خویشاوندی قرار گرفت. (حجاریان، ۱۳۷۹، ص ۵۷) که در آن کارگزاران جامعه مدنی، طبقات و گروه‌ها و جنبش‌های اجتماعی، نهادها، سازمانها و گروه‌های فشار، به دور از دسترسی دولت درباره موضوعات سیاسی-اجتماعی، اقتصادی و ایدئولوژی به نزاع می‌پردازند (بشیریه، ۱۳۷۴، ۳۳۲)

در جامعه مدنی سخن بر سر آن است که چگونه می‌توان قدرت متمرکزی را محدود کرد؟ نقش شکل‌های مدنی در تحکیم و تثبیت دموکراسی و توزیع قدرت اجتماعی و سیاسی چگونه است؟ و به چه میزان موثر است؟ بنابراین اگر ابزارهای نظارت در عصر حاضر را، روزنامه‌ها، احزاب، انجمن‌های صنفی معترض در نظر بگیریم، عبدالکریم سروش آنها را به منزله سپرهای محافظی میان آدمیان می‌داند که آنها را در مقابل تجاوز حفظ می‌کند (سروش، ۱۳۷۷، ۱۳۵-۱۲۸)

اصلاح طلبان تجدیدنظر طلب، به پیروی از نوگرایان دینی، جامعه مدنی را ابزاری برای پلورالیسم سیاسی و ویژگی‌های دینی نظام، تلقی می‌کردند. (پیمان، ۱۳۸۴) بنابراین عنصر اساسی جامعه مدنی در فرد مستقل است، که باید با آزادی کامل بتواند با افراد و جامعه وارد کنش متقابل شده و بر مبنای دموکراسی به تنظیم قانون بپردازد. (پیمان، ۱۳۸۰، صص ۳۲-۳۵) از این نگاه، ارزش‌ها و شاخص‌های جامعه مدنی به عنوان منافع طبقه متوسط جدید شامل مشارکت سیاسی، پاسخگویی دولت و سیاست‌های عمومی است، که زمینه ساز و بستر ساز دموکراسی یا مردم‌سالاری خواهد بود. بنابر این با توجه به مفهوم جامعه مدنی از منظر اندیشمندان، جامعه مدنی به عنوان یکی از منافع طبقه متوسط جدید در کانون توجه

تحلیل گران قرار گرفت و بررسی رابطه جامعه مدنی با جامعه دینی به موضوع محوری تحلیل گران تبدیل شد.

۲.۴ توسعه سیاسی

توسعه سیاسی یکی دیگر از منافع طبقه متوسط جدید در کنش سیاسی است، که از طریق مشارکت سیاسی بدست می آید. این مفهوم از مفاهیم جامعه شناختی است که افراد و احزاب توانمند در پی افزایش و کارایی یک نظام سیاسی مستقل و انعطاف پذیر از طریق حل و فصل تضادهای اجتماعی می باشند. در همین چارچوب، چارلز تیلی معتقد است که هر پروسه و رویداد سیاسی در یک بستر تاریخی روی می دهد و فهم این رویدادها در این روند اهمیت بسزایی دارد، لذا در هر دوره ای متناسب با آن دوره، نوع کنش جمعی متفاوت خواهد بود. (تیلی، ۱۳۸۵) از این نگاه، هر پدیده سیاسی مانند دموکراسی، توسعه سیاسی، انتخابات و مشارکت سیاسی امری تاریخی محسوب می شود.

در ایران پس از انقلاب، مفهوم توسعه سیاسی در بستر اجتماعی روند آهسته ای را طی نمود و از اواسط دهه هفتاد به صورت پر رنگ وارد ادبیات سیاسی و عرصه عمومی گشت. مطرح شدن مفهوم توسعه سیاسی از سوی طبقه متوسط جدید، راه را در جهت گسترش احزاب و تشکل ها و نهادهای مدنی هموار نمود و آسیب پذیری و نقد، در بستر اجتماعی و سیاسی اهمیت یافت. در ادامه این فرایند طبقه متوسط جدید به دلیل تاکید بر مولفه هایی همچون آزادی، توسعه سیاسی، مشارکت سیاسی، جامعه مدنی، قانون گرایی، تاکید بر رسانه های همگانی، انتخابات و حقوق شهروندی، بیشترین نقش را در روند توسعه سیاسی ایفا کرده است. بنا براین توسعه سیاسی از این منظر، فرصتی به شمار می رفت که نظام سیاسی با ظرفیت و فضای مناسب، موظف به پاسخگویی به نیازهای جامعه خود باشد. نگاهی که گرایش فکری را به سمت تقویت و توسعه احزاب، کانون های صنفی، انجمن های علمی، توجه به محیط زیست هدایت نمود، و به تقویت جامعه مدنی، گسترش رقابت و مشارکت سیاسی منجر شد.

مشارکت انتخاباتی و گسترش بسیج منابع از سوی طبقه متوسط جدید، دولت های وابسته به این طبقه را وادار نمود که از این فرصت به گسترش مطبوعات، تکثیر احزاب سیاسی، سازمان های مردم نهاد، گسترش ارتباطات، گسترش فضای نقد و انتقاد، و تقویت جامعه مدنی همت گمارد. بنابر این دولت در اولین اقدام، محور توسعه سیاسی را به سمت

تحول کمی و کیفی در مطبوعات هدایت نمود، و تعداد عناوین نشریات را در پایان دوره اصلاحات به ۲۸۱۷ عنوان رساند (مرکز آمار ایران، سالنامه آماری ۱۳۸۶) از آنجا که مردم سالاری و توسعه سیاسی، نیازمند وجود احزاب و تشکل‌های سیاسی است، لذا دولت‌های مستقر و وابسته به طبقه متوسط جدید در دوده‌های اخیر (۷۶-۹۶)، به تقویت احزاب سیاسی، به عنوان بخشی از پروژه جامعه مدنی توجه نمودند. در ادامه این روند، آرایش نیروهای سیاسی و شکاف میان جناح‌های درونی نظام سیاسی، خود را در قالب رقابت جناحی و به صورت اصلاح‌گرا و اصول‌گرا نشان داد (خواجه سروی، ۱۳۸۲، ۲۴۰-۲۳۹) و رقابت و مشارکت سیاسی تقویت گردید. بنابراین هدف توسعه سیاسی در ایران پس از دهه هفتاد، توزیع قدرت اجتماعی و سیاسی، و رقابت میان مدعیان قدرت در جهت کسب قدرت و سهم شدن در قدرت و قرائت دیگری از نگاه به دین بود.

۳.۴ دموکراسی و مشارکت انتخاباتی

دموکراسی رژیم‌سیاسی و فلسفه اجتماعی است که بیش از هر رژیم یا فلسفه، گوناگونی عقاید را می‌پذیرد و در آن جابجایی قدرت سیاسی از راه مسالمت‌آمیز صورت می‌گیرد (عالم، ۱۳۸۸، ص ۲۹۶) به عبارتی دیگر، دموکراسی شکلی از حکومتی پاسخگو است که در آن برابری سیاسی، توزیع قدرت اجتماعی و سیاسی، اتکا به رای اکثریت، رقابت و مشارکت سیاسی، مشروعیت نظام سیاسی و حاکمیت مردم و حق انتخاب حکام در آن دیده می‌شود و رقابت و نظارت در آن مشهود است.

از آنجا که بروز و ظهور گفتارهای سیاسی و اجتماعی، در میان اقشار گسترده از جمله طبقه متوسط جدید تسری بیشتری یافته است، بنابراین بررسی‌ها نشان می‌دهد که میان مشارکت سیاسی افراد و طبقات اجتماعی که به آن تعلق دارند، ارتباط معناداری وجود دارد. بر همین اساس، چارلز تیلی در کتاب دموکراسی (جامعه‌شناسی تحولات دموکراتیک) به شناسایی فرآیندهای دموکراسی در سطح جهانی و ملی می‌پردازد و فرآیندهای عمده‌گذار به دموکراسی را الحاق شبکه‌های اعتماد به سیاست‌های عمومی، محافظت سیاست‌های عمومی از نابرابری‌های گروهی و سرکوب مراکز قدرت نام می‌برد. او معتقد است که آینده دموکراسی و افزایش یا کاهش دموکراسی، عموماً بر اساس روند حرکت فرایندهای سه‌گانه فوق تعیین می‌شوند. روش تیلی در اعلام اثر گذاری فرآیندهای فوق، نوعی جامعه‌شناسی تاریخی است، که فرآیندهای جانبی همچون

توانایی دولت‌ها، روند این حرکت‌ها را تقویت یا تضعیف می‌کند. بنابراین علت تکوین دموکراسی یا علل موثر در دموکراسی، حضور نخبگان سیاسی دموکرات در حکومت و میزان آمادگی حکومت در دادن امتیاز به علاقمندان به دموکراسی است. (جلایی پور، ۱۳۸۳، ۱۹۱-۱۹۹) از آنجا که مشارکت انتخاباتی، مولفه مهم دموکراسی، تبلور حاکمیت مردم و یکی از مهمترین منافع طبقه متوسط جدید به شمار می‌رود، بنابر این رفتار سیاسی و ازادی اراده در مشارکت انتخاباتی، دارای اهمیت اساسی است. در این میان، طبقه متوسط جدید از جمله طبقاتی است که رفتار سیاسی و مشارکت سیاسی آن، در روند دموکراتیک اهمیت یافته و در دو دهه اخیر (۹۶-۷۶) نقش مهمی را در رویداد های سیاسی-اجتماعی و جابجایی ارام قدرت بازی نموده است. طبقه متوسط جدید بزرگترین گروه یا طبقه در میان طبقات اجتماعی محسوب می‌شود که به دلیل آگاهی سیاسی و اجتماعی قادر به جذب و جلب توده‌ها و جهت دهی فکری و سیاسی به آنان است.

طبقه متوسط جدید با ویژگی‌هایی همچون نوگرایی، باسوادی، شهر نشینی، و پایگاه اجتماعی شغلی، دارای روحیه‌ای تحول‌خواه در میان دیگر طبقات اجتماعی می‌باشد، که مشتاق سبک زندگی جدید، نگاه انتقادی، میزان استفاده از رسانه‌های همگانی، قدرت بسیج، منابع انسانی و ایدئولوژی بر خوردار بوده است، به همین دلیل دموکراسی و مشارکت انتخاباتی به عنوان یکی از منافع آنها در کنش جمعی تلقی می‌شود

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز، مولفه‌های مردم سالاری، برای مشارکت مردم در امور عمومی از طریق انتخابات و همه پرسی در اصول ۱۰۷، ۱۱۴، ۶۲، ۸۷، ۱۳۷ شمرده شده، و شامل انتخاب رهبری، انتخاب ریاست جمهوری، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، خبرگان رهبری و رسمیت یافتن دولت می‌باشد. قانون اساسی محدودیت دوره زمامداری را ذکر نموده و مسئولیت سیاسی زمامداران را مشخص نموده است، بنابراین در فاصله زمانی (۹۶-۷۶)، مفاهیم و مقوله‌هایی چون عقلانیت، قانونمندی، آزادی بیان و اندیشه، نقد و گفتگو، با جهت دهی فکری طبقه متوسط جدید حداقل در شعار وارد ادبیات سیاسی و فرهنگ سیاسی ایران گردید و در فراز و فرود مردم سالار دخیل بوده است.

۵. مهم‌ترین ابزارها و شیوه‌های بسیج منابع رأی‌دهی طبقه متوسط جدید

در این قسمت از مقاله به این نکته خواهیم پرداخت که فعالان طبقه متوسط جدید به عنوان گروه مدعی قدرت، از ابزارها و شیوه‌هایی از جمله رسانه‌های جمعی، احزاب و تشکل‌های سیاسی، رهبران و هدایتگران گفتارهای سیاسی در راستای بسیج منابع رأی‌دهی استفاده نموده است. بنابر این ابزارهای بسیج منابع از سوی طبقه متوسط جدید عبارتند از

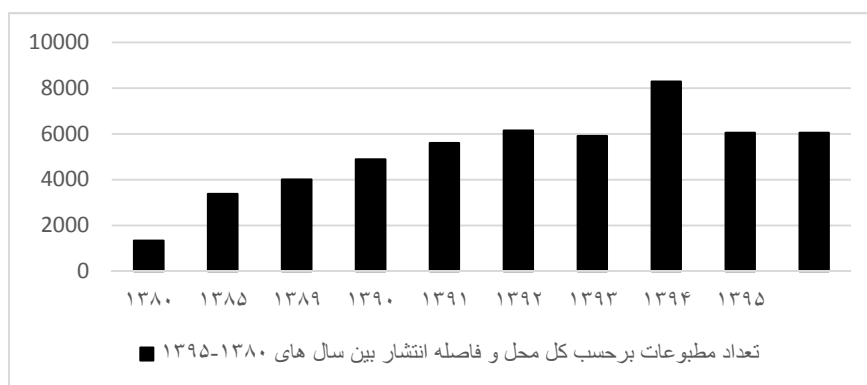
۱.۵ رسانه‌های جمعی

در جهان امروز، رسانه‌ها به ابزاری در خدمت کنش‌های جمعی در آمده و ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست. رسانه‌ها جمعی کانال ارتباطی بین شهروندان و دولت بوده که نقش تعیین‌کننده‌ای در مشارکت‌های همگانی و جهت‌دهی به افکار عمومی را دارا می‌باشند، چرا که از طریق همین رسانه‌ها است که شهروندان به آگاهی رسیده و نقش اساسی در اطلاع‌رسانی، آگاهی‌بخشی و بسیج‌گری اجتماعی، و سیاسی را بر عهده دارند. این رسانه‌ها، افکار و عقاید و نگرش‌های جدید را در میان افراد جامعه پخش می‌کنند و سبب تحول و تغییر در جوامع انسانی می‌شوند. به عبارتی دیگر، رسانه‌های جمعی، ابزارهایی می‌باشند که از طریق آنها، افراد با جماعت کثیر یا توده‌ای از مردم به طور یکسان دسترسی داشته و شامل رادیو، تلویزیون، سینما و... هستند (دادگران، ۱۳۷۴، ۳۰) در همین زمینه نیز، لرنر معتقد است که ارتباطات، زمینه‌ساز بسیج بوده و توسعه سیاسی را سامان می‌بخشد. لذا بین ارتباطات جمعی و مشارکت مردم در امر سیاسی و اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد. بنابراین با ورود رسانه‌های جدید به زندگی افراد، نوع جدیدی از روابط بین مردم شکل گرفته است، که تشکیل اجتماعات و ارتباطات جمعی، اطلاع‌رسانی و تبادل خبر و نظر از شناخته شده‌ترین کارکردهای این فضای مجازی است (روشندل اربطانی، ۱۳۹۴)، رسانه‌ها در ابتدا به صورت رسانه‌های دیداری و شنیداری از جمله مطبوعات، رادیو و تلویزیون ظهور یافتند، اما رسانه‌های اجتماعی گونه‌ای از رسانه هستند که امکان ارتباط و برقراری با شماری فراوان از افراد را فارغ از محدودیت زمانی و مکانی فراهم می‌نمایند.

موضوع بسیج منابع، مهم‌ترین موضوع مرتبط با مشارکت انتخاباتی و چگونگی منابع رأی‌دهی در دو دهه اخیر (۹۶-۷۶) در ایران است، که در پرتو آن طبقه متوسط جدید و

رهبران هدایتگر، ایده ها و برنامه های خود را متوجه اعتماد شهروندان از طریق رسانه های گروهی می نمایند. یکی از ابزارها و شیوه های بسیج منابع، رسانه های گروهی و همگانی و شبکه های اجتماعی است که به عنوان منبع شناخت مورد توجه قرار گرفته و مردم خواسته ها و مطالبات خود را از این طریق به اشتراک می گذارند. به عبارتی دیگر رسانه های گروهی و شبکه های اجتماعی مهمترین سرمایه اجتماعی تلقی می شوند که پیوند های اجتماعی را مستحکم، انگیزه های مشارکت را گسترش و میزان انفعال سیاسی را کاهش می دهند.

از آنجا که رشد جامعه مدنی، رشد دموکراسی و توسعه سیاسی، از طریق توسعه ارتباطات و رابطه آن با طبقه متوسط جدید امکان پذیر بوده است، لذا از رهگذر گسترش وسایل ارتباط جمعی و توسعه آنان در ایران پس از انقلاب، می توان به ارتباط وسایل جمعی با طبقه متوسط جدید و مشارکت سیاسی پی برد. بر مبنای امار و ارقام موجود، رسانه ها و وسایل ارتباط جمعی در نیم قرن اخیر و بخصوص در دو دهه اخیر (۷۶-۹۶) در ایران رشد و گسترش قابل توجهی داشته اند. براساس امار و داده های ثانویه، تعداد نشریات کشور از ۳۲۰ نشریه در سال ۱۳۶۵ به ۱۳۴۷ در سال ۱۳۸۰، و به طور کلی رقم مطبوعات در سال ۱۳۹۴ به ۸۲۸۷ رسیده است. همچنین تعداد روزنامه های کشور در سال ۱۹۹۶ به یک میلیون ششصد و پنجاه و در سال ۲۰۰۰، به سه میلیون و سیصد هزار نسخه رسیده است که برای هر هزار نفر در سال ۱۹۹۶ به ۲۶ شماره و در سال ۲۰۰۱ به ۵۳ نسخه افزایش یافته است (سالنامه امارای یونسکو ۱۹۹۹، ۱۹۴، ۲۷۳) بنابراین تعداد مطبوعات بر حسب محل و فاصله انتشار بین سالهای ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۵ به شکل منحنی ذیل خواهد بود



تعداد مطبوعات بر حسب کل محل و فاصله انتشار بین سال های ۱۳۸۰-۱۳۹۵

یافته‌ها و نظر سنجی‌های انجام گرفته، رقم استفاده از تلویزیون در سال ۱۳۷۴ به حدود ۸۰ درصد و میزان استفاده از مطبوعات به حدود ۴۳ درصد افزایش یافته است (به نقل از محسنی، ۱۳۷۹، ۱۵۰ و ۲۲۰ و شهریاری ۱۳۹۳) در این میان گرچه استفاده از این رسانه‌ها صرفاً برای طبقه متوسط نیست، اما می‌توان گفت، طبقه متوسط جدید عمدتاً یک پای ثابت استفاده از این رسانه‌ها بوده و از برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی و سیاسی نهایت استفاده را برده است. از دیگر رسانه‌های وابسته به طبقه متوسط جدید، تعداد عناوین کتاب‌های منتشر شده است که در سال ۱۳۶۵ از ۳۸۱۲ عنوان به ۱۲۸۹۷ در سال ۱۳۷۵ و در دهه ۸۰ به ۵۳۵۷۰ و در سال ۱۳۸۹ به ۶۴۶۰۶ عنوان رسیده بود (www.farhang.gov.ir)

از میان وسایل ارتباط جمعی، به نظر می‌رسد که بیشترین کاربران استفاده‌کننده از روزنامه، مطبوعات، کتب، رادیو و تلویزیون و بخصوص برنامه‌های هنری، ورزشی و خبری، طبقه متوسط جدید بوده‌اند. وسایل دیگر رسانه‌ای همچون اینترنت و تلفن همراه نیز رشد چشمگیری در میان طبقه متوسط جدید داشته و کاربرد آنها در امر بسیج منابع و بسیج سیاسی و در امر مشارکت سیاسی ملموس است. بر مبنای سالنامه آماری ۱۳۹۲، طبقه متوسط جدید با تحصیلات عالی به نسبت به دیگر طبقات اجتماعی با سطح پایین تحصیلی از اینترنت بیشتری استفاده نموده‌اند، که بیش از ۹۵ درصد را شامل می‌شود (سالنامه آماری، مرکز آمار ایران، ۱۳۹۲) همچنین بر اساس داده‌های آماری مرکز آمار ایران در بخش فناوری اطلاعات و ارتباطات رقم استفاده خانوارهای ایرانی از تلفن همراه، رایانه و دسترسی به اینترنت خانگی در محل سکونت روبه افزایش بوده که در امر مشارکت سیاسی و انتخاباتی تاثیر گذار بوده است.

جدول شماره یک؛ خانواده‌های کشور بر حسب برخورداری از فناوری اطلاعات و ارتباطات

۱۳۸۷ - ۱۳۹۵

1394		1392		1389		1387		شرح
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
100%	24299758	100%	22821770	100%	20286247	100%	18779479	کل خانوارهای کشور
67/98	23977109	5/97	22262811	13/96	19502822	07/94	17667020	خانوارهای دارای تلفن

36/57	13938943	87/45	10468407	22/35	7146171	17/30	5665902	خانوارهای دارای رایانه
47/55	13479815	8/37	8625067	4/21	4336567	2/18	3411499	خانوارهای با دسترسی به اینترنت محل سکونت

سالنامه مرکز امار ایران (بخش فناوری اطلاعات و ارتباطات ۱۳۹۵)

بنابر ارقام آماری ثانوی می توان گفت که رشد و گسترش وسایل ارتباط جمعی نسبت به گذشته، فرصتی را برای طبقه متوسط جدید فراهم ساخته است تا سبک زندگی، نوع نگرش در حوزه اندیشه، و رفتار خود را به موازات چنین تغییراتی، تغییر دهد. همچنین گسترش این وسایل ارتباط جمعی کمک نموده تا به طور مستقیم، اندیشه ها، و نگرش های دموکراتیک در ایران نیز گسترش یابد، امری که اندیشمندانی چون کاستلز، دیوید هلد و... نیز به این امر اذعان داشته اند که رشد وسایل ارتباط جمعی تلقی جدیدی از انسان نسبت به جهان اجتماعی، سیاست و جامعه را بوجود آورده است. لذا در جهانی که جایگاه اجتماعی هر فرد بر اساس قدرت وی در دستیابی به اطلاعات جدید مشخص می شود، وسایل ارتباط جمعی ابزاری موثر برای ایجاد روابط دو طرفه میان افراد و گروه هایی بوده است که در نهایت تحکیم جامعه مدنی و بستر سازی را برای دموکراسی مهیا کرده اند. بنابراین با مبنا قرار دادن مدل تیلی در تحلیل کنش جمعی، می توان به نقش و تاثیر رسانه های جمعی در فرآیند های مدل بسیج منابع پی برد، و به این نتیجه رسید که تعامل شبکه های اجتماعی و رسانه های جمعی با مردم، به ظهور و تقویت عناصر تئوری بسیج منجر می گردد. رسانه ها به دلیل توانایی در جلب مخاطب و شکل دهی به افکار عمومی و بسیج منابع، فرصت ها و موقعیت های پیش آمده در بستر اجتماعی می باشند که به عنوان عنصر مداخله گر در امر مشارکت انتخاباتی دخیل می باشند. بنابر این از آنجا که در مفهوم بندی مدل تیلی، بسیج منابع تحت کنترل جمعی و مدعی قدرت اشاره دارد (تیلی، ۱۳۸۵، ۸۱) رسانه های جمعی با ایجاد فضای انتخاباتی و تشویق افراد به رای دهی و اثر گذاری در مشارکت، عمده ترین تحول در حوزه عمومی و رای دهی اجتماعی محسوب می شوند.

۲.۵ احزاب و تشکل‌های سیاسی

احزاب سیاسی و شکل‌گیری آنان، ارتباط تنگاتنگی با سیاست و مشارکت سیاسی دارند. احزاب سیاسی با سازمان دادن گرایش‌های سیاسی و اندیشه‌های فکری، عاملی در نزدیک شدن خرده‌گفتمان‌های فردی و اجتماعی در جامعه می‌باشند. به عبارتی احزاب سیاسی فرصت‌هایی را در اختیار صاحبان قدرت و منافع، در جهت ائتلاف و به منظور تداوم مشروعیت یا تداوم قدرت حکومت فراهم می‌کنند.

حزب ماشینی است که به گردآوری مسائل جامعه پرداخته، و پس از تحلیل و دسته‌بندی به نهاد‌های تصمیم‌گیر (دولت و مجلس و ...) عرضه می‌دارد (اخوان کاظمی، ۱۳۷۸، ۱۰۴، ۱۰۳) هانتینگتون نیز با الهام از دو توکویل باور دارد که نظام سیاسی زمانی کار آمد است که از درجه بالای نهادینگی برخوردار باشد و نیروهای اجتماعی را که طی فرآیند نوسازی بوجود آمده‌اند به عنوان ابزار نهادی به سمت مشارکت سیاسی و سامان‌دهی آن هدایت می‌نمایند (بدیع، ۱۳۷۹، ۹۹، ۱۰۰) بنابراین، احزاب و تشکل‌های سیاسی، گرایش‌های فکری را از حالت فردی به سمت و سوی عمومی می‌کشاند و در جهت رسیدن به قدرت و یا سهم شدن در آن در حرکت می‌باشند.

احزاب در هر کشوری، کردار‌های سیاسی و اجتماعی خاصی را از خود نشان می‌دهند، و بر اساس منافع، وارد کنش جمعی یا فعالیت‌های سیاسی می‌شوند. از این رو است که ارتباط معنا دار و تنگاتنگی با سیاست و مشارکت سیاسی خواهند داشت. احزاب سیاسی ضمن سامان‌دان به اندیشه‌ها و نزدیک کردن گفتار‌های سیاسی به هم، از پراکندگی ارا جلوگیری می‌کنند. بنابر این می‌توان گفت که ارتباط مشارکت انتخاباتی و احزاب سیاسی نوعی رابطه دوطرفه میان دموکراسی و احزاب سیاسی را تداعی می‌کند.

در ایران پس از انقلاب، جریان‌های سیاسی چپ و لیبرال از صحنه رقابت سیاسی حذف شدند و رقابت انتخاباتی بین جریان‌های اسلام‌گرا بر سر چگونگی اداره کشور، موجب انشعاب آنان گردید. یارگیری و جناح‌بندی سیاسی در درون دایره قدرت و در درون گفتمان اسلام سیاسی، خود را به صورت راست، چپ و میانه رو و اخیراً به صورت اصلاح طلب، اصول‌گرا و اعتدال‌گر در پس از خرداد ۱۳۷۶ شکل تازه‌ای به خود گرفت. که در این نوع یارگیری سیاسی، بازی بازیگران شخصیتی بیش از بازی رسمی احزاب خود را نشان می‌داد. در واقع احزاب و تشکل‌های سیاسی، ابزار‌های بسیج منابع در جهت بسیج رای‌دهی، کسب قدرت و مشروعیت‌دهی به نظام سیاسی بوده‌اند.

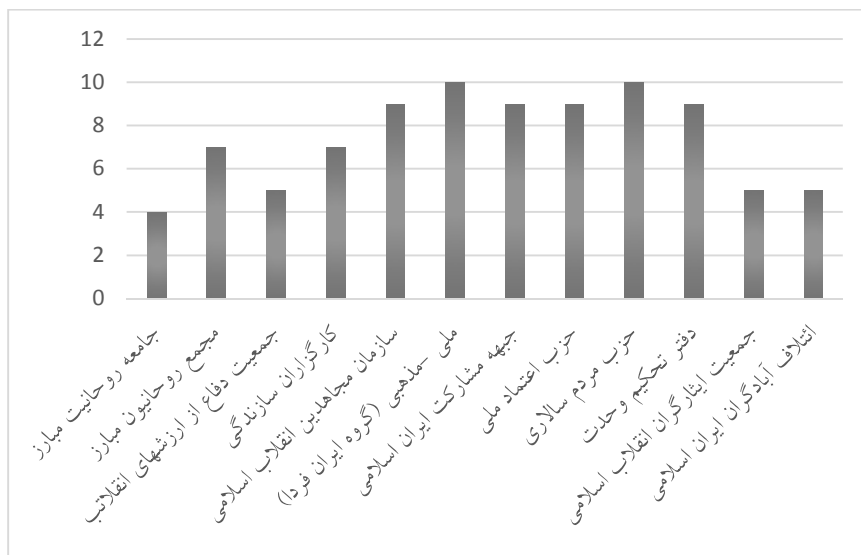
روی هم رفته در ایران پس از انقلاب، احزاب سیاسی و تشکل‌ها و جناح‌های سیاسی مختلفی پدیدار شدند که صورت بندی ایدئولوژی‌های سیاسی آنان و جریان‌های حامی رنگ و بوی دیگری داشت. در صورت بندی ایدئولوژی‌های طبقه متوسط جدید تا سال ۱۳۷۶، جریان‌های سیاسی و گفتمانی همچون اسلام‌گرایی شامل جریان راست (حزب جمهوری اسلامی، جامعه روحانیت، جمعیت دفاع از ارزش‌های انقلاب و انصار حزب الله) و جریان چپ (مجمع روحانیون، کارگزاران سازندگی، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و انجمن اسلامی دانشگاهیان) حضور فعال داشتند، که عناصری همچون مرجعیت دینی، مخالفت با غرب، ولایت فقیه و سنت‌گرایی در گفتار سیاسی جناح راست آشکار، و گاهی در میان چپ‌گرایان اسلام‌گرا و ایدئولوژی سیاسی ملی - مذهبی، سخن از جامعه مدنی، آزادی، قانون‌مداری و ارزش‌های ایرانی در چارچوب دایره قدرت مطرح می‌شد.

در دو دهه اخیر (۹۶-۷۶) در ایران، ایدئولوژی‌های سیاسی طبقه متوسط جدید صورت بندی دیگری یافت که خود را در دوره زمانی یاد شده به صورت اصلاح طلب، اصول‌گرا، و اعتدال‌گرا در بستر اجتماعی نشان داد. این‌گونه صورت بندی سیاسی با قدرت یابی دولت دوم خرداد و تحولات پس از آن در میان طبقه متوسط جدید شدت بیشتری به خود گرفت. هسته‌های شکل‌گیری چنین خرده‌گفتمان‌هایی با منحل شدن حزب جمهوری اسلامی و انشعاب مجمع روحانیون از جامعه روحانیت شکل گرفت، در این گفتار سیاسی اصلاحات، با تشکیل احزابی چون جبهه مشارکت، دفتر تحکیم وحدت، و..... شکل گرفت که عمدتاً دارای خاستگاه طبقاتی از نوع طبقه متوسط جدید بودند، امری که در انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۷۶ به اوج خود رسید. بنابراین اصلاحات برون‌آمده از دل طبقه متوسط جدید به دلیل تأکید بر توسعه سیاسی و جامعه مدنی و بازخوانی مدرن ارزش‌ها و با تکیه بر دموکراسی اسلامی سیاسی، حالتی گیرا در بین طبقات اجتماعی پیدا نمود.

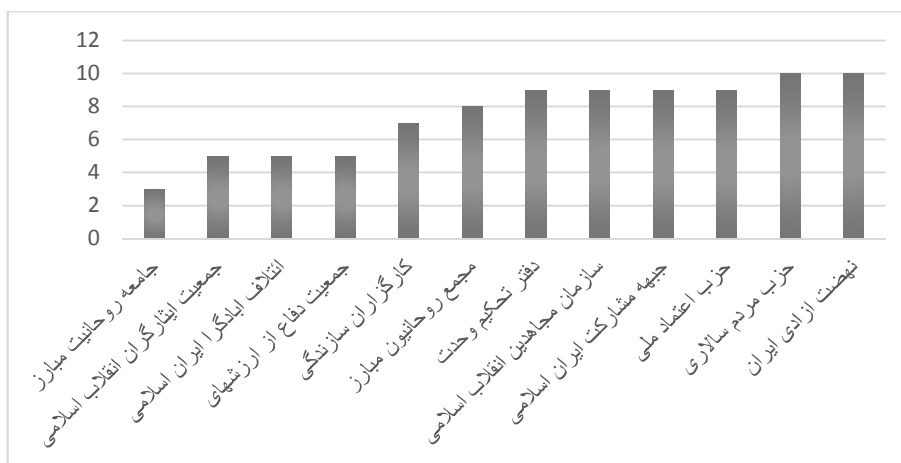
از نگاه دیگر در حالیکه که جریان اصلاحات فضای سیاسی کشور را در دست داشت، جریان سیاسی رقیب با جریان‌های جدیدی با نام جبهه متحد اصول‌گرایان و ائتلاف فراگیر شروع به احیای دوباره نمودند، هر چند پایگاه اصلی این حوزه فکری و جریان سیاسی، عمدتاً طبقات و قشرهای متوسط سستی و پایین جامعه بودند، اما دارای خاستگاه‌های متنوعی در میان طبقه متوسط جدید بودند، که در سازماندهی و بازتولید ایدئولوژی

کمک بسیاری نمودند. از احزاب و تشکل‌های سیاسی اصول‌گرا و وابسته به طبقه متوسط جدید، می‌توان از جامعه اسلامی مهندسين، احزابی چون آبادگران، ائتلاف برای ایران، جمعیت ایثارگران و..... را نام برد. بنابراین احزاب سیاسی، فرصت‌های سیاسی یا یارگیری سیاسی از بالا به پایین، و ائتلاف صاحبان قدرت هستند که نقش بسیج‌گر، ثبات‌دهنده و مشروعیت‌دهنده به نظام سیاسی را دارا می‌باشند. از نگاه دیگر، برخی بر آن هستند، که احزاب سیاسی در ایران پس از انقلاب، نه احزاب سیاسی کارکردی، بلکه تنها محافل دوستانه از افراد همفکر می‌باشند که دارای سابقه رفاقتی، دوستی، خویشاوندی و مبارزاتی مشترک می‌باشند (نیاکویی، ۱۳۸۸، ۲۰۴). بنابراین می‌توان گفت، که در دو دهه اخیر (۷۶-۹۶) در ایران، احزاب و تشکل‌های سیاسی به صورت هدایت‌شده، از طریق افراد صاحب منصب و با نفوذ دولتی شکل گرفته‌اند و جناح‌ها و جریان‌های سیاسی وابسته به آنان با تکیه بر همین جریان قدرت در مشارکت سیاسی-انتخاباتی فعال می‌شوند.

بر آنچه آمد، اگر شاخص‌هایی همچون مشارکت نهادی، سیاست فرهنگی باز، فعالیت احزاب و آزادی، تبادل فرهنگی، و توسعه خصوصی سازی را ملاک و معیار گرایش احزاب به سمت دموکراسی یا گذار به آن تلقی نماییم، هر یک از احزاب و تشکل‌های سیاسی، نسبت به شاخص‌های فوق جهت‌گیری مثبت یا حالتی میانه داشته‌اند. بنابراین می‌توان پراکندگی گرایش سیاسی احزاب و تشکل‌های سیاسی، و کمینه و بیشینه هر یک را نسبت به مقوله دموکراسی یا مردم‌سالاری در ایران پس از انقلاب را به صورت نمودار میله‌ای شماره یک و شماره دو در ذیل نشان داد



نمودار ۲- کمیته و بیشینه گرایش سیاسی احزاب مختلف نسبت به مردم سالاری در سال های پس از انقلاب تاکنون



نمودار ۳: کمیته و بیشینه گرایش سیاسی احزاب مختلف نسبت به مردم سالاری در سال های پس از انقلاب تاکنون

۳.۵ رهبری سیاسی و تولیدکنندگان گفتار سیاسی بسیج منابع

تولید کنندگان گفتار سیاسی بسیج منابع نیازمند رهبری سیاسی است، چرا که رهبری سیاسی تعیین کننده اهداف حرکت های جمعی یا کنش های جمعی بوده، و ضمن ترسیم جامعه مطلوب، وضع موجود را تحلیل و هواداران و زیر مجموعه های خود را در جهت امید به آینده متقاعد می نمایند. بنابراین هرگونه موفقیت یا ناکامی در کنش جمعی منوط به عواملی همچون رهبریت سیاسی، سازماندهی و بسیج منابع و محیط بین الملل خواهد بود. در این فرآیند، یکی از مهمترین شاخص های تاثیر گذار در امر بسیج سیاسی و منابع رای دهی در امر مشارکت سیاسی، نقش رهبران و هدایت گران در کنش جمعی و حوزه گسترش جامعه مدنی است. به عبارتی نقش هدایت گران و رهبران، مشوقی در جهت رسیدن به خواسته های سیاسی و مدنی و رسیدن به مطالبات است. احتمال پیدایش رهبران بسیج گر زمانی پیش می آید که شکاف های اجتماعی و اقتصادی در جامعه خود را بیشتر نشان می دهند و یا شکاف میان بخش سستی جامعه و بخش نوآور نمایان شده است، و هر یک از بخش های اجتماعی هویت خاصی را پیدا می کنند (بشپریه، ۱۳۸۳) از نگاه دیگر، در نظر طرفداران رویکرد بسیج منابع، رهبران کارسالاران سیاسی هستند که منابع را فراهم و سازمان های را در پاسخ به انگیزه ها، مخاطرات و فرصت ها بنیان می نهند (Obersecholl, ۱۹۷۳, ۱۵۱). ضرورت ظهور رهبران بسیج گر، پیدایش فرصت های سیاسی - اجتماعی مسالمت آمیز است که آنان بتوانند در پرتو آن به تحریک در عمل و کردار سیاسی کوشا باشند. لذا برای رسیدن به این امر، نیازمند ابزارها و تکنیک های موثر تشکیلاتی می باشند که بر هویت جمعی اثر گذار و مسیر حرکت مردمی را تعیین کنند. در این فرایند، منازعه برای کسب قدرت، رابطه اصلی بازیگران، برای کسب قدرت یا ماندن در قدرت خواهد بود، این منابع شامل تمام وسایل مادی و غیر مادی مانند منابع اقتصادی، منابع فرهنگی (ظرفیت های دانشگاهی و نخبگان) منابع رسانه ای (دیداری و شنیداری) منابع اجتماعی (ظرفیت های هنری و ورزشی، منزلتی و قومی، برای رسیدن به اهداف تشکیل می دهند. بنا بر نظر چارلز تیلی تغییر در اندازه منابع حکومت یا گروه های معارض بر احتمال موفقیت در حفظ قدرت یا قبضه ان تاثیر می گذارد. (تیلی، ۱۳۸۵، ۵۲-۴) بنابراین کشمکش قدرت میان قدرت متمرکز و گروه های مدعی قدرت، شکل جمعی و همراه با منافع بوده و روند منازعه قدرت، بسته به مقدار منابعی است که ذخیره یا تدارک دیده می شود. در این وضعیت گروه های اجتماعی و مدعی قدرت می توانند با

سازماندهی و بسیج منابع، مردم را در مقابل گزینش های متنوع و مختلف به درون منازعه بکشانند.

بنابر آنچه آمد، در دو دهه اخیر (۷۶-۹۶) در ایران و در چارچوب مشارکت سیاسی و انتخاباتی، رهبران و هدایتگران گفتارهای سیاسی اصلاحات، عدالت خواهی، اعتدال گرایی یا تعادل سیاسی، به عنوان یکی از ابزارها و شیوه های بسیج منابع سیاسی تاثیر گذار بوده اند. رهبران بسیج منابع با شعارهایی همچون توسعه سیاسی، جامعه مدنی، دموکراسی، عدالت خواهی، تعادل سیاسی، و با تکیه بر طبقه متوسط جدید و قانون اساسی به ایفای نقش پرداخته اند. این رهبران هدایت گر تحت تاثیر رویدادهای داخلی و برآورد های اوضاع جهانی به تصمیم گیری و تصمیم سازی پرداخته اند. و اساساً چرایی بحث در مورد رهبران کنش جمعی، برخاسته از شرایط اجتماعی ایران است که در آن رویداد های داخلی و خارجی در شکل گیری گفتمانی آنها تاثیرگذار بوده است. برای شناسایی خرده گفتمان های برآمده از اسلام سیاسی، طبقه متوسط جدید و رهبران مرتبط با آن در کنش جمعی دارای اهمیت می باشند، چرا که این طبقه منشا بسیاری از تحولات سیاسی و اجتماعی با توجه به شکاف سنت و مدرنیته بوده است. طبقه متوسط جدید با توجه به همبستگی درونی که میان خود و دیگر طبقات اجتماعی داشته است به یک جریان فعال و کارآمد تبدیل شده و راه بسیج گری کنش جمعی را هموار نموده است. این طبقه با گفتمان اصلاحات پا در عرصه سیاسی و اجتماعی گذاشت. و در پروسه و بیان گفتمانی ان، مفاهیمی همچون توسعه سیاسی، آزادی، قانون گرایی، و جامعه مدنی دیده می شد. هدایت گران و رهبران اصلاحات با نام روحانیونی چون محمد خاتمی (تکیه بر جامعه مدنی دینی و دفاع از حق انان از طرف حکومت و نهادینه کردن قانون اساسی) (۱۶، ۹، ۱۳۷۷، ۱۵، ۱۲، ۱۳۷۵) سید محمد موسوی بجنوردی (نقش مستقیم مردم در مشروعیت بخشی به حکومت، ۱۳۸۰ ص ۴۵۷) و سید محمد موسوی خویینی ها گره خورده بود، که اصلاحات را محقق ساختن بخش های معطل مانده در قانون اساسی می دانستند و اهداف اصلاحات را با تکیه بر طبقه متوسط جدید به پیش می بردند. سعید حجاریان نیز از وابستگان فکری اصلاحات بر این نکته معتقد بود که با رشد شهرها و صنعتی شدن و با پیدایش علوم و فنون پیشرفته و گسترش نظام اقتصادی، مفهوم جامعه مدنی در مقابل مجتمع های خویشاوندی گذشته مطرح شد (حجاریان، ۱۳۷۹، ۵۷) بنابراین، آنچه از گفتار سیاسی رهبران اصلاحات می توان برداشت نمود، پایبندی به نظام سیاسی، قانون

اساسی و حفظ و تداوم آن در یک جامعه مدنی و همراه با توسعه سیاسی و اراده مردمی بود، که تکرار این رهبری فکری در مشارکت سیاسی و انتخاباتی ۱۳۸۸ و ۱۳۹۲ و ۱۳۹۶ نیز با رنگ و بوی دیگری قابل برداشت بود.

۶. عناصر برون سازمانی بسیج منابع طبقه متوسط جدید

بسیج منابع در نظریه جارلز تیلی، علاوه بر عوامل درون سازمانی (منافع، سازمان و بسیج منابع) متأثر از متغیرهای برون سازمانی یا کنش جمعی مانند سرکوب / تسهیل، قدرت و فرصت / تهدید است (تیلی، ۱۳۸۵، ۱۷۰، ۱۶۰). بنابراین در مقوله فرصت / تهدید در دو دهه اخیر (۹۶-۷۶)، کنش جمعی در قالب مشارکت انتخاباتی، در شرایطی رخ داد که فرصت‌های مناسبی برای تحقق منافع، خواسته‌ها و مطالبات طبقه متوسط جدید (مشارکت‌کنندگان اصلی توسعه سیاسی) از جمله جامعه مدنی، آزادی، دموکراسی، مشارکت سیاسی و آزادی رسانه‌ای و عدالتخواهی بوجود آمده بود. منظور از فرصت، حاصل شدن وضعیتی است که گروه‌های مدعی قدرت مبتنی بر آن وضعیت، شرایط مهیا را برای تحقق منافع خود، مناسب ارزیابی نمایند. (تیلی، ۱۳۸۵، ۱۱۲، ۱۹۶) مجموعه حوادث و اقدامات داخلی در کشور، بوجود آورنده وضعیتی است که هسته‌های بسیج‌گر، آن شرایط را به عنوان فرصتی مناسب تلقی می‌نمایند، که تا قبل از آن، چنین وضعیتی برای آنان متصور نبود. اما با ظهور و بروز طبقه متوسط جدید، ایجاد مراکز دانشگاهی متعدد، افزایش کمیت و کیفیت دانشگاه‌ها، باز شدن فضای سیاسی و اجتماعی، مسائل حاد اقتصادی و نارضایتی افسار تحصیل کرده از توزیع قدرت اجتماعی و سیاسی، فرصتی تاریخی برای قشر طبقه متوسط جدید فراهم نمود که آنان در اولویت مرحله بسیج‌گری خود، از طریق روزنامه و رسانه‌های همگانی و مهیا کردن جو فکری از آن بخوبی استفاده نمایند. اما در مقوله سرکوب / تسهیل نیز، رقابت برای کسب قدرت، همواره در برگیرنده گروه‌های مدعی قدرت و رقیب است، و رفتار طرف دوم، دامنه‌ای از سرکوب تا تسهیل را در برمیگیرد، که هزینه کنش جمعی را افزایش یا کاهش می‌دهد (تیلی، ۱۳۸۵، ۱۷۱) در کنش جمعی طبقه متوسط جدید در جهت کسب و توزیع قدرت در پرتو انتخابات، واکنش حاکمیت در مقابل بسیج‌گری در کنش جمعی، در پیگیری مطالبات و خواسته‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آمیزه‌ای از سرکوب / تسهیل بود، بطوریکه واکنش‌هایی از خود نشان می‌داد که

هزینه های کنش جمعی و اجتماعی و بسیج گری را کاهش دهد و در برخی موارد نیز هزینه ها را افزایش می داد.

۷. نتیجه گیری

در این مقاله تلاش گردید که چگونگی اثر گذاری طبقه متوسط جدید بر روند بسیج منابع رای دهی در ایران (۷۶-۹۶) با استفاده از مدل نظری چارلز تیلی و روش تاریخی به نوشتار در آید. از آنجا که کنش جمعی در مشارکت انتخاباتی از جمله تحولات جامعه شناختی تاریخی محسوب می شود. بنابراین سعی بر آن شد، که چگونگی شکل گیری و ظهور گروه مدعی قدرت (طبقه متوسط جدید) در کنش جمعی مورد شناسایی قرار گیرد. با مرور تاریخی نشان داده شد که طبقه متوسط جدید به عنوان گروه مدعی قدرت، مرکز ثقل تحولات سیاسی، و تحرک بخش حرکت های مدنی از مشروطه تا کنون بوده است. طبقه متوسط جدید در پرتو گسترش نظام آموزشی، رشد شهر نشینی و رشد رسانه های جمعی به عنوان طبقه ای وزین و اثر گذار در امر مشارکت سیاسی شناخته می شود. بنابراین این با دگرگون شدن موقعیت های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی در اثر نوسازی و دولت سازی در دو دهه اخیر (۷۶-۹۶) به عنوان گروه منازعه گر در بستر اجتماعی مطرح گردید، و منافع خود را در قالب خواسته ها و مطالبات (جامعه مدنی، توسعه سیاسی، و دموکراسی) در راه کسب قدرت یا سهم شدن در قدرت دنبال نمود. بنابراین این یافته های تحقیق نشان می دهد که طبقه متوسط جدید با کنش جمعی و بسیج منابع انسانی و ایدئولوژی و استفاده از ابزارها و شیوه هایی همچون رسانه های جمعی، احزاب و تشکل های سیاسی، و رهبران گفتمانی به عنوان عوامل انگیزشی، منابع اجتماعی و عوامل بسیج گر در تشویق شهروندان به مشارکت سیاسی و انتخاباتی دخیل بوده است. در همین روند رسانه های جمعی به عنوان یکی از ابزارهای بسیج منابع، کانال ارتباطی شهروندان در امر مشارکت، اطلاع رسانی، آگاهی بخشی، و نشر افکار و ایده ها نقش مهمی را بازی نموده است. به عبارت دیگر، طبقه متوسط جدید در پرتو رسانه ها ایده ها و برنامه های و منافع خود را متوجه اعتماد شهروندان نموده است. بنابراین وسایل ارتباط جمعی اعم از دیداری و شنیداری (رادیو، تلویزیون، اینترنت، تلفن همراه، روزنامه و مطبوعات و.....) نسبت به گذشته رشد چشمگیری داشته و فرصتی را برای طبقه متوسط جدید فراهم نمود که ایده های دموکراتیک خود را در بستر اجتماعی عملیاتی نماید.

از نگاه دیگر، احزاب و تشکل‌های سیاسی، ابزار دیگری در بسیج منابع طبقه متوسط جدید به شمار می‌رفت که ارتباط تنگاتنگی با سیاست و مشارکت سیاسی داشت. احزاب سیاسی و تشکل‌های سیاسی فرصت‌هایی را در اختیار صاحبان قدرت یا مدعیان قدرت قرار می‌دهند که گرایش‌های فکری فردی را به سمت گرایش‌های جمعی و عمومی بکشاند. با ظهور طبقه متوسط جدید در ایران پس از انقلاب، ایدئولوژی‌ها و خرده‌گفتمان‌های سیاسی، صورت‌بندی تازه‌ای یافت که در درون اسلام سیاسی خود را در قالب نگرش‌هایی چون اصلاح طلب، اصول‌گرا، اعتدال‌گرا نشان دادند. احزاب سیاسی در این برهه زمانی به صورت فصلی و هدایت‌شده از طریق افراد صاحب نفوذ و صاحب منصب در بستر اجتماعی ظاهر گشتند و در واقع فرصت‌های سیاسی از بالا به پایین بودند که صاحبان قدرت، نقش بسیج‌گر و ثبات‌دهنده و مشروعیت‌بخش به نظام سیاسی تلقی می‌شدند. علاوه بر احزاب و رسانه‌های جمعی، رهبران گفتمان نیز به عنوان ابزاری در جهت بسیج منابع در بستر اجتماعی شناخته می‌شدند، چرا که بسیج منابع و بسیج سیاسی نیازمند رهبری سیاسی است و رهبری سیاسی تعیین‌کننده اهداف کنش جمعی و مشارکت سیاسی محسوب می‌شدند. این رهبران، وضع مطلوب را بررسی و ترسیم و وضع موجود را تحلیل کرده و هواداران خود را در جهت امید به آینده امیدوار می‌نمودند. بنابر این، آنچه ظهور رهبران کنشگر و بسیجگر را به یک امر ضروری تبدیل می‌نمود، پیدایش فرصت‌های سیاسی و اجتماعی است که در پرتو آن رهبران بتوانند توده‌های زیرمجموعه خود را تحریک به عمل یا کردار اجتماعی نمایند.

کتاب‌نامه

- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۷۸)، احزاب، ثبات سیاسی، امنیت ملی، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره چهارم
- ادیبی، حسین (۱۳۵۸)، طبقه متوسط جدید در ایران، تهران، انتشارات دانشکده علوم اجتماعی و تعاون، دانشگاه تهران
- ازغندی، علیرضا (۱۳۸۵)، درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران، تهران، نشر قومس
- بدیع، برتران (۱۳۷۹)، توسعه سیاسی، ترجمه احمد تقیب‌زاده، تهران، نشر قومس
- بشیریه، حسین (۱۳۸۲)، دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران، چاپ دوم، تهران، نشر نگاه معاصر
- بشیریه، حسین (۱۳۷۴)، جامعه‌شناسی نقش نیروهای اجتماعی و زندگی سیاسی، تهران، نشر نی

- پناهی، محمدحسین (۱۳۸۹)، نظریه های انقلاب، وقوع، فرایند و پیامد ها، تهران، سمت، پیمان، حبیب الله (۱۳۸۰)، جامعه مدنی و اندیشه دینی، مجله آفتاب شماره ۱۳
- پیمان، حبیب (۱۳۸۴)، عدالت بدون آزادی، نتیجه آزادی بدون عدالت، مجله نامه، شماره ۳۹ نیمه تیر ماه تیلی، چارلز (۱۳۸۵) از بسیج تا انقلاب، ترجمه علی مرشدی زاده، تهران، پژوهشکده امام خمینی (ره) جلالی پور، حمید رضا (۱۳۸۳)، ارجاع تاملات نظری در مورد دموکراسی در ایران کنونی، تهران، نامه علوم اجتماعی، ش ۲۳، خرداد ۱۳۸۳،
- حجاریان، سعید (۱۳۷۹) الف، جامعه مدنی و دولت دینی، مجله فرهنگ توسعه، شماره ۴۴-۴۶، سال نهم، ص ۵۷
- خاتمی محمد (۱۳۷۶-۱۳۷۷)، سخنرانی در افتتاحیه کنفرانس اسلامی، ۱۸/۹/۱۳۷۶ سخنرانی روز دانشجو، ۱۳۷۷/۹/۱۶
- خواجه سروی، غلامرضا (۱۳۸۲)، رقابت سیاسی و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی
- دادگران، محمد (۱۳۷۴)، مبانی ارتباطات جمعی، تهران، انتشارات فیروزه
- دارابی، علی (۱۳۸۸) بنیان های نظری رفتار انتخاباتی شهروندان در جمهوری اسلامی، فصلنامه پژوهش های ارتباطی، سال ۱۶، بهار، ش ۱۰، پیاپی ۵۷
- روشندل ارتباطی، طاهر، فرجیان، محمدمهدی، سلمانی زاده (۱۳۹۴)، آینده پژوهی ارتباطات سازمانی با ورود تکنولوژی شبکه های اجتماعی، کنفرانس بین المللی روابط عمومی
- سالنامه اماری یونسکو (۱۹۹۹) سازمان چاپ و انتشارات فرهنگ اسلامی
- سروش عبدالکریم (۱۳۷۷)، جامعه مدنی و ایران امروز (مجموعه مقالات)، تهران، انتشارات نقش و نگار
- شهرام نیا، امیر مسعود، و همکاران (۱۳۹۶) سنجش تاثیر شبکه های اجتماعی بر مشارکت سیاسی: مطالعات موردی دانشجویان دانشگاه مازندران، جامعه شناسی کاربردی، سال ۲۸، ش پیاپی ۶۵، بهار، شماره اول
- شهریاری، حیدر (۱۳۹۳)، تحول طبقه متوسط جدید و روند توسعه مردم سالاری در ایران پس از انقلاب، رساله دکتری، تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی
- شیخ الاسلامی، محمد حسن، عسگریان، محسن (۱۳۸۸)، سازه انگاری، رسانه و رفتار انتخاباتی در ایران، فصلنامه پژوهش های ارتباطی، سال شانزدهم، ش ۱، بهار، پیاپی ۵۷
- عالم، عبدالرحمن (۱۳۸۸)، تاریخ فلسفه سیاسی غرب، (عصر جدید و سده نوزدهم) چاپ دوازدهم، تهران، وزارت امور خارجه
- عنایتی شبکلائی، علی (۱۳۹۲)، معرفی کتاب، رفتار انتخاباتی در ایران، "الگوها و نظریه ها" چاپ پنجم، نوشته علی دارابی، فصلنامه مطالعات انتخاباتی، سال دوم، بهار، شماره ۳

طبقه متوسط جدید و بسیج منابع رأی‌دهی در ایران (۱۳۹۶ - ۱۳۷۶) ۵۱

قبصری، نورالله، و دیگران (۱۳۹۶)، انتخابات ریاست جمهوری در ایران: الگویی نظری برای تبیین پیروزی یک کاندیدا بر سایر رقبای، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال ششم، شماره ۲۱، تابستان ۹۶

کشاوری شکری، فرهادی، احسان، مرشدزاده، علی (۱۳۹۳)، تحلیل مقایسه‌ای منابع در انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی ایران، فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی، سال ۱۶، شه ۱۰، بهار، پیاپی ۵۷

کشاوری شکری، عباس، فرهادی، احسان (۱۳۹۰)، بسیج منابع در انقلاب اسلامی، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، دوره ۱، ش ۱، زمستان ۱۳۹۰

محسنی، منوچهر (۱۳۸۹)، "بررسی آگاهی‌ها و نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی فرهنگی در ایران، تهران، دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی نیاکویی، امیر (۱۳۸۸)، بررسی علل جامعه‌شناختی ناکامی جنبش دوم خرداد، رساله دکتری علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران

مرکز آمار ایران (۱۳۸۶ - ۱۳۹۵) سالنامه آماری کشوری

مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۱)، در آمدی نظری بر جنبش‌های اجتماعی، تهران، پژوهشکده امام خمینی (ره) مک لین، ایان (۱۳۸۱)، فرهنگ علوم سیاسی آکسفورد"، ترجمه حمید احمدی، تهران

مهاجرنیا (۱۳۸۳)، طبقه متوسط جدید در ایران"، ماهنامه زمانه، ش ۲۴، شهریور ۱۳۸۳

موسوی بجنوردی، سید محمد (۱۳۸۰)، مقالات فقهی، حقوقی، فلسفی و اجتماعی، جلد اول، تهران، انتشارات پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی

هانتیگتون، ساموئل (۱۳۷۵)، سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علم

Obrschall, A (1973) social conflict and social movements Englewood cliffs, Nj, prentice-hall